

به مناسبت نود و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیراکتوبر

## با آموزش از دست آوردهای هستی آفرین و دوران ساز انقلاب کبیراکتوبر مبارزه انقلابی راجهت پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و تأسیس نظام سوسیالیستی شدت بخشیم!

کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان روسیه تزاری تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) در رأس آن رفیق لنین بتاريخ (25) اکتوبر سال (1917) میلادی با قیام مسلحانه نظام کهن سرمایه داری امپریالیستی فئودالی روسیه تزاری را سرنگون کردند و پرویرانه های آن نظام نوین سوسیالیستی را بنانهاده و دیکتاتوری پرولتاریا برقرار کردند. تدارک فکری و تشکیلاتی این انقلاب بزرگ دوران ساز مبارزه کمونیستها و پرولتاریای انقلابی صورت گرفت. لنین در پروسه طولانی این مبارزه نقش رهبر و پیشقراول این انقلاب را ایفا کرد. لنین با اتکاء به مارکسیسم و ماتریالیسم دیالکتیک مارکس ارزیابی جامعی از اوضاع اجتماعی اقتصادی جامعه روسیه آن زمان انجام داده و با شناخت همه جانبه از ماهیت نظام سرماییداری و امپریالیسم و تضادهای درونی آن، استراتژی و تاکتیک انقلاب کبیراکتوبر بر طرح و مارکسیسم را اخلاقانه در جامعه روسیه تلفیق نمود. لنین در پروسه مبارزه طبقاتی و مبارزه انقلابی علیه انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم آثار انقلابی جاودان و باارزشی را بوجود آورد و مارکسیسم را غنای کیفی بخشیده و آنرا به مارکسیسم-لنینیسم تکامل داد.

لنین در کتاب "دوستان مردم کیانند و چگونه بر ضد سوسیال دموکراتها میجنگند؟" برای اولین بار فکر اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان را بمتابه وسیله ای اساسی درواژگون کردن تزاریزم، ملاکان و بورژوازی بمیان آورد و وظایف اساسی مارکسیست های روسیه را تعیین نمود. لنین در کتاب "چه باید کرد؟" نقشه تشکیل مشخصی را به لحاظ خط ایدئولوژیک سیاسی و ماهیت طبقاتی برای ساختمان حزب مارکسیستی طبقه کارگر مطرح نمود؛ لنین اکنون میز در جنبش کارگری را بی اعتبار و منکوب کرده و ایدئولوژی اشکال اپورتونیسم را رسوا ساخت. لنین در کتاب "یک گام به پیش و دو گام به پس؛" اپورتونیسم منشویکی را در مسایل تشکیلاتی درهم شکست و حزب کمونیست (بلشویک) یعنی حزب مبارز انقلابی طراز نوین را بنیان نهاد. و آموزش مربوط به حزب انقلابی طبقه پرولتاریا را بعنوان یک سازمان رهنمون پرولتاریا در مبارزه اش علیه نظام سرمایه داری و بعنوان سلاح اصلی در دست پرولتاریا تنظیم نمود. لنین در کتاب "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک؛" تاکتیک بلشویکها در انقلاب بورژوا دموکراتیک و در دوران انتقال این انقلاب به انقلاب سوسیالیستی داهیانه مستدل نمود، و نکات اصلی درباره امکان پیروزی سوسیالیسم در کشور واحد را پایه گذاری کرد. لنین در کتاب "امپریالیسم بمتابه عالی ترین مرحله سرماییداری"، امپریالیسم بمنزله سرمایه داری فاسد و محتضرو به منزله ای آستان انقلاب سوسیالیستی را با استدلالهای مارکسیستی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. لنین در "تزه های آوریل" داهیانه نقشه مبارزه حزب بلشویک در راه انتقال از انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را توضیح داد. لنین در کتاب "دولت و انقلاب" ماهیت بورژوازی و نظرات اپورتونیستها (منجمله کائوتسکی) و انارشویستها و دیگران را درباره دولت و انقلاب آشکار نمود و در این اثر آموزش مارکسیسم را درباره دولت، انقلاب پرولتاریائی، دیکتاتوری پرولتاریا، سوسیالیسم و کمونیسم احیا نموده و آنرا بسط داد و تئوری جمهوری شوراهار ا بمتابه شکل معین دیکتاتوری پرولتاریا بوجود آورد. لنین با خلق اثر فلسفی اش "ماتریالیسم و امپریوکریتیسیسم" از فلسفه مارکسیستی دفاع نموده و آنرا تکامل داد. لنین مبارزه حادی را برای افشای مرتدین درون جنبش کمونیستی به پیش برد، و شدید ترین این مبارزه در عرصه فلسفه بود. انتقاد بیرحمانه لنین علیه اپورتونیستهای سیاسی و فلسفی بود که در اطراف اندیشه "ارنیست ماخ" جمع شده بودند، ماخیزم رایج ترین امپریوکریتیسیسم در آن زمان، اساساً شکلی از ایده آلیزم بود، و لنین در این مبارزه از ماتریالیسم در برابر ایده آلیزم (ماخ، هیوم، کانت و سایرین) بدفاع برخاست. لنین

مبارزه با رویزیونیستهارا هبری نموده و مبارزه با رویزیونیسم در حوزه فلسفی که با مبارزه سیاسی علیه آن گره خورده بود را پیشبرد؛ ولی جدال با رویزیونیسم فلسفی خود از اهمیت زیاد برخوردار بود و در واقع بدون دفاع از ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی و پاسخ تمام و کمال به "تجدید نظرها" و حملات بی پرده ای آنها بویژه با احیای ایده آلیزم در شکل ماخیزم، ادامه یک جنبش مارکسیستی و حفظ پیشتر اول پرولتری در آن غیر ممکن میبود. لنین در زمینه های دیگر فلسفه از جمله: مسئله دیالکتیک، بازشناسی همگونی یا وحدت اضداد که کلید درک حرکت کلیه پروسه هاست، بعلاوه رابطه بین وحدت یا همگونی و مبارزه اضداد را بیان نمود. لنین میگوید: "وحدت یا همگونی" مشروط، موقتی، ناپایدار و نسبی است" در حالیکه مبارزه اضداد مطلق است؛ همانگونه که تکامل و حرکت مطلق هستند".

امپریالیزم فئودالی نظامی روسیه در جنگ امپریالیستی اول در جناح امپریالیستهای فرانسه و انگلیس و ایتالیا و متحدین آنها شرکت کرد. در این جنگ غارتگرانه که برای تقسیم مجدد جهان بین قدرتهای امپریالیستی مختلف برپاشده بود؛ امپراتوریهای آلمان، اتریش، تزار و ترکیه شکست خوردند و متصرفات و مستعمرات آنها بین امپریالیستهای فاتح انگلیس و فرانسه تقسیم گردید. این جنگ جنایتکارانه و ویرانگر نتیجه بحران همگانی سرمایه داری بود و بر شدت این بحران افزوده و نظام سرمایاداری را تضعیف نمود. پرولتاریای روسیه از این بحران و تضعیف سرمایاداری با کمال موفقیت استفاده کرده و جبهه امپریالیسم را شکافت و تزار را در ماه فیبروری سال 1917 سرنگون کرد. همچنانکه در پروسه تدارک جنگ امپریالیستی اول اپورتونیستهای بین الملل دوم به سوسیالیسم خیانت کردند و برای کشورهای امپریالیستی شان یاری میرساندند، در روسیه نیز اپورتونیستهای حزب منشویک و سوسیالیستهای «انقلابی» در سال 1914 برای پیشبرد جنگ امپریالیستی به حمایت از سیاست امپریالیستی تزار برخاستند. و سوسیال دموکراتهای آلمان نیز در سال 1914 در پارلمان به طرفداری از اعتبارات جنگی و پشتیبانی از جنگ امپریالیستی خاینانه رأی دادند. بعد از سقوط تزار منشویکها و سوسیالیستهای «انقلابی» در تشکیل دولت موقت که در قبضه بورژوازی بود شرکت کرده و در شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان تسلط یافتند. و در جنبش بین المللی کمونیستی اینها از جمله ده ها و صدها مثال بارز از خیانت اپورتونیستها و احزاب خرده بورژوازی «انقلابی» به انقلاب پرولتری در قرن بیستم است.

با گواهی تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی از خصایل و خصوصیات بارز اپورتونیستها و رویزیونیستها و گروه های خرده بورژوازی «انقلابی» اینست که در حساسترین مقاطع از مبارزه پرولتاریا و کمونیستها علیه امپریالیسم و ارتجاع و یادر شرایط انقلابی جامعه که کمونیستها و پرولتاریا می خواستند ضربات کوبنده را بر سرمایه داری و امپریالیسم و دیگر طبقات ارتجاعی وارد کنند؛ اینها خاینانه در صف امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته و بر علیه انقلاب عمل کرده اند. در جنبش کمونیستی افغانستان در سال (1357) خورشیدی زمانیکه گروه ها، محافل و افراد مختلف جنبش انقلابی پرولتری و جنبش دموکراتیک نوین مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی گسترده ای را برای تشکیل سازمان یا حزب انقلابی پرولتری پیش می بردند تا مبارزه متحد و منسجمی را علیه رژیم جنایتکار و خونخوار خلقی پرچمیها به پیش برند؛ اپورتونیستهای «گروه انقلابی...» و «ساما» اقدام به کودتا کردند و در شرایط تهاجم نظامی و اشغال استعماری سوسیال امپریالیستهای روسی و جنگ آزادی خواهانه توده های خلق علیه آنها، «سازمان رهائی» با احزاب ارتجاعی اسلامی اتحاد کرد و تسلیم امپریالیستهای غربی شد و «ساما» به دولت مزدور خلقی پرچمیها و سوسیال امپریالیستهای اشغالگر «شوروی» تسلیم شد و علیه خلق و میهن قرار گرفت. همچنین در شرایط تهاجم نظامی و حشیانه امپریالیسم امریکا و متحدین آن در ناتو و اشغال نظامی کشور و به مستعمره کشیدن آن، رویزیونیستها و اپورتونیستهای «سازمان رهائی» و «ساما» از اشغال نظامی و وضعیت مستعمره بودن کشور حمایت کرده و در دولت دست نشانده استعمار شرکت کردند و در دولت مستعمراتی به مقامهای وزارت و معینیت ولایت رسیدند. در حالیکه هریک از اینها در لفظ مدعی «اعتقاد» به اندیشه های «م-ل-ا» و «جنگ توده ای طولانی»، «محاصره شهرها از طریق دهات» و مبارزه برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین " بودند و تا هنوز هستند! اینست ماهیت

وخصلت طبقاتی همه انواع رویزونیسم واپورتونیسیم درکشورهای مختلف جهان. وازجهت دیگرعه ای ازگروه های که مدعی "م-ل-م" بودند «حزب کمونیست (مائوئیست)» را تشکیل دادند وعلی الرغم ادعاهای لفظی شان هرچه بیشتردرمنجلااب اپورتونیسیم قرارگرفته ودرعمل مشغول تطبیق پروژه های بزرگ "ان جی او" ئی امپریالیستها شده وازاین طریق توده های خلق را نسبت به اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستها اغوا و اغفال کردند وازاین طریق به زندگیهای مرفه و بعضاً به سرمایه های هنگفتی دستیافته اند که این عملکرد آنها بدون هیچ چون چرایی اپورتونیسیم و انقیاد طلبی است. بلشویکهای روسیه برهبری لنین ازفبروری تا اکتوبرسال 1917 دشوارترین مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی را درجهت افشای ماهیت اپورتونیستی و سازشکارانه "اس ارها" و منشویکها و دیگرگروه های اپورتونیست به پیش برده وازاین طریق اکثریت را درشوراهای کارگران، دهقانان و سربازان بدست آورده و توانستند میلیونها تن از کارگرودهقان را از زیر نفوذ "اس ارها" و منشویکها و انارشویستها و دیگر احزاب ارتجاعی بیرون آورده و به جانب انقلاب جلب کنند. حزب کمونیست (بلشویک) روسیه با آنکه به لحاظ کمی اندک بود اما با خط روشن انقلابی مارکسیستی-لنینیستی و رهبری چون لنین، مبارزه توده های خلق را برای سرنگونی حاکمیت بورژوازی رهبری کرد. پرولتاریای روسیه دیکتاتوری بورژوازی را سرنگون کرده و حاکمیت شوراها و دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار کردند و دولت ترانزویین، اولین دولت سوسیالیستی جهان را تأسیس کردند. پیروزی انقلاب اکتوبر و انهدام بخشی از سیستم سرمایداری جهانی بدست طبقه کارگر، امپریالیسم جهانی را دچار وحشت نمود. و در سال 1918 چهارده کشور امپریالیستی و طبقات ارتجاعی سرنگون شده در روسیه تهاجم همه جانبه را بر علیه دولت نو بنیاد سوسیالیستی آغاز کردند. لیکن کارگران، دهقانان فقیر و روشنفکران انقلابی با مقاومت و مبارزه انقلابی قهرمانانه شان پوزه امپریالیستها را متجاوز و ارتجاع داخلی را بخاک مالیده و شکست حفاتاری را بر آنها تحمیل کردند. با دفع تهاجم امپریالیستی و شکست ارتجاع داخلی در سال 1921، کشورشوراها مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم و متحول ساختن زندگی کتله های میلیونی مردم و ارتقای سطح فرهنگی آنها و ترقی و انکشاف کشورشوراها را آغاز کرد و در مدت کم در همه عرصه های حیات اجتماعی توده های مردم تغییرات کیفی رونما گردید.

صفیرگلوله های انقلاب کبیر اکتوبر در سراسر جهان طنین انداخت و پیام بزرگترین تحول انقلابی و رهائی خلقهای امپراتوری روسیه را از اسارت امپریالیسم تزاری بگوش توده های خلق جهان رساند. انقلاب کبیر اکتوبر ظهور عصر نوینی را در جهان اعلام نمود، عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاری. پیروزی این انقلاب ماهیت پوسیده و گندیده نظام سرمایه داری و امپریالیسم را به ثبوت رساند. تئوریسها و جیره خواران نظام سرمایه داری شکست ناپذیری نظام سرمایداری و اینکه یگانه نظامی است که خوشبختی و رفاه برای بشریت به ارمغان می آورد را تبلیغ می کردند و میکنند؛ ولی سرنگونی تزاریزم و پیروزی انقلاب اکتوبر ماهیت گندیده و فاسد و شکست پذیری این نظام غارتگر را هر چه بیشتر ثابت ساخته و ناقوس مرگ نظام سرمایه داری را بصداد آورد. پیروزی انقلاب اکتوبر روح تازه برجینش کمونیستی جهانی دمیده و موجب بیداری خلقها و ملل تحت سلطه استعمار و امپریالیسم گردید. کشورشوراها منحصی یگانه دژ انقلابی در جهان حامی خلقهای تحت ستم و استثمار بود و از جنبشهای آزادی خواهانه و استقلال طلبانه و جنبشهای رهائی بخش پرولتاری در سراسر جهان بگونه همه جانبه حمایت نمود. با پیروزی انقلاب اکتوبر و تشکیل نظام سوسیالیستی در روسیه تعداد زیادی از ملل تحت سلطه و ستم استعمار و امپریالیسم بپاخاسته و خود را از سلطه و اسارت استعمار و امپریالیسم نجات داده و به استقلال و آزادی رسیدند. پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر این حقیقت را بثبوت رساند که اگر پرولتاریا به آگاهی سیاسی انقلابی دستیابد، به مارکسیسم انقلابی مسلح شود و ستاد انقلابی اش را تشکیل دهد میتواند بر کاخ سرمایه داری یورش برده و آنرا واژگون کند و نظام نوین خودش را بنا نماید. پیروزی این انقلاب محصول یک دوران مبارزه انقلابی کمونیستها را ستین روسیه در رأس آنها رهبران واقعاً انقلابی چون لنین و استالین قرار داشتند که با شرکت در مبارزه طبقاتی و تداوم مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی انقلابی علیه انواع رویزونیسم و اپورتونیسیم به ایجاد ستاد انقلابی طبقه پرولتاریا فایق آمده و نظام سرمایه داری فئودالی را سرنگون کرده و نظام سوسیالیستی را تشکیل کردند.

بعد از مرگ لنین، استالین سکان رهبری حزب و دولت در کشور شوراهارابعده گرفت و از حزب کمونیست، دیکتاتوری پرولتاریا، دولت و کشورشوراها و انقلاب جهانی با تمام نیرو و توان حراست کرد. این شخصیت انقلابی بزرگ با اراده و عزم پولادین حزب و دولت و کشورشوراها را رهبری کرد، از انقلاب کبیر اکتوبر و میراث انقلابی لنین حراست نمود و سعی فراوان در راه ساختمان سوسیالیسم و رشد و ترقی و رفاه توده های خلق و رشد فکری و فرهنگی آنها نمود. استالین تا آخرین لحظه ای حیاتش بطور خستگی ناپذیر به مبارزه بی امان علیه دشمنان خارجی انقلاب (امپریالیسم و ارتجاع بین المللی) و دشمنان داخلی انقلاب (منجمله رویونیستها و اپورتونیستهای ضدانقلابی و خاین) ادامه داد. اما استالین منحیت یک انقلابی بزرگ و صادق در پیروسه ساختمان سوسیالیسم دچار اشتباهات و انحرافات فکری و سیاسی چندی نیز شد که در اسناد دیگری به آن پرداخته ام.

بعد از مرگ رفیق استالین در سال (1953) رویونیستهای مخفی در درون حزب و دولت بر رهبری خروشچف مرتد و خاین حملات خصمانه و خاینانه را علیه انقلاب و نظام سوسیالیستی آغاز کرده و همه دست آوردهای انقلابی کبیر اکتوبر، دولت و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را به شکست کشاندند. و کشورشوراها را به کشوری سوسیال-امپریالیستی و دشمن خونخوار و غدار خلقها و ملل تحت ستم جهان تغییر ماهیت دادند و خیانت بزرگی به انقلاب جهانی مرتکب شدند. بهمین صورت بعد از مرگ رفیق مائوتسه دون در سال (1976) انقلاب چین توسط رویونیستهای "سه جهانی" بر رهبری دینگ سیائوپینگ مرتد و خاین به شکست کشانده شد و چین سوسیالیستی و حامی خلقهای جهان را به کشوری سوسیال-امپریالیستی و خصم قسم خورده خلقها و ملل تحت ستم جهان مبدل کردند. و نیز انقلاب آلبانی توسط دگما رویونیستها بر رهبری انور خوجه مرتد و خاین به شکست کشانده شد و در سایر کشورهای جهان نظامهای دموکراتیک توده ای و نظامهای سوسیالیستی توسط رویونیستهای مرتد و خاین به شکست کشانده شدند و بعد از سال 1976 هیچ کشور سوسیالیستی در جهان وجود ندارد؛ لیکن خاطره هستی آفرین و نجاتبخش انقلاب کبیر اکتوبر و سایر انقلاب های پرولتری در قرن بیستم زنده است و مبارزه کمونیستها و پرولتاریای انقلابی جهان برای پیروزی انقلاب پرولتری ادامه دارد. و به یقین که در آینده اکتوبرهای انقلابی نوینی به ظهور خواهند رسید و توده های خلق و بشریت از ستم و استثمار و غارتگریها و جنایات نظام سرمایرداری و امپریالیسم و دیگر نظامهای بهره کش و ستمگر در جهان نجات خواهند یافت. اهمیت تاریخی انقلابی کبیر اکتوبر بر تارک تاریخ مبارزات انقلابی پرولتاریا و خلقهای تحت ستم جهان میدرخشد و این انقلاب چراغ رهنمای کمونیستها و پرولتاریای انقلابی جهان در امر مبارزه انقلابی برای پیروزی انقلاب پرولتری است. و تجارب انقلابی و دست آوردهای انقلاب اکتوبر و استراتژی و تاکتیکهای این انقلاب رهنابخش پرولتری بخش مهمی از دست آوردهای مبارزاتی پرولتاریای بین المللی بشمار میرود.

پیروزی انقلاب اکتوبر محصول تلفیق مارکسیسم در شرایط جامعه روسیه تزاری بود که توسط کمونیستهای روسیه بر رهبری لنین انجام شد. لنین با اتکاء به دیالکتیک ماتریالیستی و شناخت علمی و عمیق از ماهیت نظام سرمایرداری و امپریالیسم و تحلیل و بررسی دقیق از اوضاع روسیه آن زمان و اوضاع جهان مبارزه پرولتاریا و زحمتکشان روسیه را اخلاقانه رهبری کرده و انقلاب اکتوبر را به پیروزی رساند. با پیروزی انقلاب اکتوبر برای اولین بار در تاریخ بشر (150) میلیون از زحمتکشان روسیه ارزشمست و استثماربیرحمانه و دیکتاتوری استبدادی خشن تزاریزم رهائی یافتند. با پیروزی انقلاب اکتوبر، دولت سوسیالیستی حق تعیین سرنوشت بوسیله خویش برای ملل ساکن در امپراتوری روسیه را (تاجدائی کامل و تشکیل دولتهای مستقل) برسمیت شناخت، تمام قراردادهای استعماری و اسارت آور تحمیلی تزار بر ملل دیگر را ملغاً اعلام نمود، مالکیت اربابی را بر زمین الغاء نموده و اراضی را بدون پرداخت غرامت به دهقانان واگذار نمود، امتیازات کلیسایارالغو، سرمایرداری را از مالکیت محروم کرد، جنگ امپریالیستی غارتگرانه را خاتمه داد، جنگی که چندین میلیون تن از ارتش تزار و توده های خلق را به کام مرگ فرستاده بود، وسایل تولید را از دست بورژوازی گرفت. فابریکها، کارخانه ها، اراضی، راه های آهن و بانکها به مالکیت اجتماعی درآمدند. و باین صورت خلقهای ساکن در روسیه برای اولین بار حاکم بر سرنوشت شان شده و مالک دسترنجها و ثروتهای شان شدند.

قبل از پیروزی انقلاب اکتوبر روسیه کشوری عقب مانده بود و میلیونها تن از کارگران روسیه بوسیله سرمایه های اروپائی به شدت استثمار میشدند و سرمایه داری روسیه در وابستگی شدید به سرمایه های اروپائی عمدتاً سرمایه های دوقدرت سرماییداری امپریالیستی فرانسه و انگلستان قرار داشت. خصوصیات امپریالیستی در روسیه بطور عمده عبارت بود از: ادامه بقایای ریشه دار فئودالیسم در اقتصاد و نظام سیاسی در کنار انحصار های بزرگ سرمایه داری. و این پدیده اساس وابستگی روسیه تزاری به امپریالیستهای اروپای غربی بود. بقایای عمده سرواژ در روسیه سرماییداری، رژیم اربابی و تزار ایسم بود. موجودیت این مناسبات و روابط موجب استثمار و حشیانه دهقانان بوسیله مالکان ارضی میگردد و میلیونها تن از دهقانان فقیر و بی زمین روسیه تزاری را در در فقر و منجلا ب فقر و فلاکت، بیسواد، بی فرهنگ و جهالت فرو برده بود. استبداد تزاری شکلی از دیکتاتوری مالکان سرف دار بود. هزاران تن ژاندارم و پولیس تزار، مالکان زمین و سرمایه داران را در برابر خشم توده های خلق برمق رسیده محافظت میکردند. دوصدهزار کشیش ز الوصفت به تحمیق مردم بینوا و گرسنه مشغول بودند و اطاعت از بهره کشان را "مشیت الهی" توصیف کرده و به اذهان آنان القاء میکردند. تزار ایسم زحمتکشان را در جهل نگه میداشت. تقریباً چهار پنجم جمعیت روسیه بی سواد بودند. اعتراضات و اعتصابات کارگران به تقاضای کارخانه داران توسط ژاندارم و پولیس و حشیانه سرکوب میشدند. نزدیک به هشتاد و پنج درصد جمعیت روسیه را دهقانان تشکیل میدادند. دهقانان از فشار مالکان ارضی و حکومت تزار به شدت رنج و عذاب میکشیدند. آنها مالیات کلانی برای حفظ ارتش، پولیس و دستگاه های حکومتی می پرداختند. و در برابر عدم پرداخت آن به شدت مورد ضربت تازیانه قرار میگرفتند و اموال شان مصادره میشد. کلیساها و دیرها نیز سهمی از دسترنج دهقانان به خود اختصاص داده بودند. پیروزی انقلاب اکتوبر نه تنها باین همه ستمها و مظالم و استبداد و اختناق، بیعدالتیها، توهین و تحقیر همه جانب ملل ساکن در روسیه خاتمه داد، آنها را از استثمار و حشیانه سرمایه داران روسی و سرمایه های امپریالیستهای اروپائی و اربابان فئودال نجات داده و آنها را به آزادی و دموکراسی واقعی و حق تعیین سرنوشت بدست خویش و ترقی و رفاه رساند.

انقلاب کبیر اکتوبر انقلاب ملی و مختص خلقهای روسیه تزاری نبود، بلکه انقلابی جهانی و متعلق به همه کارگران و خلقهای زحمتکش و بشریت مترقی جهان بود. بعد از پیروزی انقلاب اکتوبر کشور شوراهای پایگاه انقلاب جهانی گردید و خلقها و ملل تحت سلطه استثمار و امپریالیسم با برخورداری از حمایت و کمکهای همه جانبه دولت سوسیالیستی شوروی به استقلال و آزادی رسیدند. جنبش های انقلابی پرولتری در کشورهای مختلف جهان با الهام از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر رشد و تکامل یافتند. انقلاب اکتوبر باب نوینی را در جهان بروی پرولتاریا و خلقهای زحمتکش جهان گشوده و آنها کشورشوراها و دولت و خلقهای اتحاد شوروی را حامی و کمکگار خود میدانستند.

با پیروزی انقلاب اکتوبر جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای آزادی بخش ملی در کشورهای جنوب شرق آسیا تقویت گردیدند، کمونیستها و پرولتاریای چین حزب کمونیست این کشور را تشکیل دادند و حزب کمونیست چین برهبری رفیق مائوتسه دون جنگ انقلابی خلق را علیه نظام فئودال کمپرادوری و سلطه امپریالیسم آغاز کردند و با سرنگونی حاکمیت فئودالیسم و بورژوازی بوروکرات کمپرادور و قطع سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و تشکیل دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا را ایجاد کردند و در سال 1958 به انقلاب سوسیالیستی گذارنموده و چین سوسیالیستی ایجاد گردید و در سال 1966 انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی برهبری رفیق مائوتسه دون آغاز شده و برای یکدهه از شکست انقلاب بوسیله بورژوازی، رویزیونیستهای درون حزب جلوگیری کرد. انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی چین در تاریخ انقلابهای پرولتری جهان بعد از انقلاب کبیر اکتوبر بزرگترین و مهمترین دست آورد انقلابی پرولتاریائی بین المللی محسوب میشود. بهمین صورت خلقهای ویتنام شمالی و کوریای شمالی و لائوس انقلابهای ملی-دموکراتیک را در کشورهای شان به پیروزی رساندند. این انقلاب ها از حمایت و پشتیبانی گسترده کشورشوراها و چین انقلابی برخوردار بودند. در خلال جنگ امپریالیستی دوم جنبشهای آزادیبخش ملی و جنبشهای انقلابی پرولتری در کشورهای اروپای شرقی به کمک و حمایت اتحاد شوروی سوسیالیستی تقویت شده و در جنگ رهائیبخش ملی علیه فاشیسم هلندی

تحت رهبری احزاب کمونیست این کشورها ضربات کوبنده ای بر آن وارد کردند و با سرنگونی ارتجاع داخلی نظام های دموکراتیک توده ای تأسیس کرده و به جوامع سوسیالیستی ارتقا کردند. کشورشوراها در سال 1941 موردتجاوز فاشیستهای آلمان و متحدین آن قرار گرفت و هدف اصلی فاشیستهای آلمان و (امپریالیستهای که با کشورشوراها در "درجهه متحد ضدفاشیسم" قرار داشتند و کلاً امپریالیسم و ارتجاع بین المللی) سرنگونی کشورشوراها را تشکیل میداد. لیکن کارگران، دهقانان، سربازان ارتش سرخ تحت رهبری حزب کمونیست و رهبری داهیان استالین قهرمانه از میهن سوسیالیستی شان دفاع کردند و کمونیستهای اتحاد شوروی در صف مقدم جنگ در دفاع از میهن سوسیالیستی و انقلاب و سوسیالیسم قرار گرفتند و ضربات مهلکی بر فاشیستهای نازی وارد کرده و میهن سوسیالیستی را از سلطه و اشغال نظامی آلمان نازی نجات دادند. گرچه جنگ غارتگرانه امپریالیستی دوم علیه آزادی و استقلال کلیه ملل آغاز شده بود؛ لیکن خلقهای اتحاد شوروی بیشترین تلفات جانی را متحمل شدند. خلقهای کشور سوسیالیستی در جنگ استالین گراد علیه ارتش نازیهای فاشیست و جنایتکار قهرمانیها و فداکاریها از خود نشان داده و حماسه های بیادماندنی آفریدند و با شکست ارتش وحشی فاشیستهای نازی و متحدین آن سر نوشت نهائی جنگ را در شکست فاشیسم رقم زدند. در این جنگ غارتگرانه خلقهای اتحاد شوروی بیش از بیست میلیون تن کشته شدند و ویرانیهای گسترده ای در کشورشوراها ببار آمد و بخش اعظم زیر بناهای اقتصادی و تولیدی کشورشوراها نابود شدند. ولی با نیروی عظیم توده های خلق «شوروی» که به میهن سوسیالیستی شان عشق می ورزیدند با کمترین وقت دوباره بازسازی و احیا شدند.

باتوضیح مختصر از اهمیت تاریخی و دست آوردهای انقلابی رهائیبخش وهستی آفرین انقلاب کبیراکتوبر و اثرات نجاتبخش آن که زمینه را برای رشد و تکامل انقلابهای پرولتری و انقلابهای رهائیبخش ملی برای پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش جهان آماده کرد. در شرایط کنونی جهان جنبش کمونیستی بین المللی با تریخانت رویونیستها و اپورتونیستها دچار بحران شدیدی است؛ لیکن این وظیفه و رسالت کمونیستهای انقلابی در سراسر جهان است تا در پرتو علم انقلاب پرولتری (م-ل-م) و با آموزش از تجارب انقلابی پرولتاریای جهان، مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم راهمزمان با افشای ماهیت انواع رویونیسم و اپورتونیسم حدت بخشیده سعی کنند تا احزاب انقلابی پرولتری را با خط ایدئولوژیک- سیاسی (م-ل-م) و مطابق با معیارهای لنینی از کمونیستها و پرولتاریای انقلابی راستین ایجاد کنند. با بدست آوردن این سلاح اساسی و عمده است که میتوان توده های خلق را بسیج و سازماندهی کرده و ضربات سهمگین بردر سرمایه داری جهانی و امپریالیسم وارد آورد. با همه شکستهای پرولتاریای جهان طی چند دهه اخیر، جنگ انقلابی خلق در چند کشور جهان منجمله در هند، ترکیه (کردستان شمالی)، فلپین، پیرو و دیگر مناطق جهان تحت رهبری احزاب کمونیست (م-ل-م) انقلابی جریان دارد و آن زمان دیر نخواهد بود که پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان یکبار دیگر درفش سرخ پیروزی کمونیسم را در جهان باهتزاز آورند.

**- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائونیسم!**

**- مستحکم باد انترناسیونالیسم پرولتری!**

**- زنده باد خاطره ظفر آفرین انقلاب کبیراکتوبر!**

**- پیروز باد مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان!**

**- نابود باد امپریالیسم بین المللی و ارتجاع همدست آن!**

**- مرگ بر انواع رویونیسم و اپورتونیسم!**

**25 اکتوبر 2014**

**(پولاد)**

